

# دستور بدوی \ شکل بند

وفا خلیقی

۲۴ آبان ۱۳۹۰

## توضیح

شکل کلی فرمان \ شکل بند به صورت زیر است:

$$\boxed{l_n \ i_n \ \dots \ l_2 \ i_2 \ l_1 \ i_1 \ n = \text{\ شکل بند}}$$

۱.  $n$  یک عدد صحیح مثبت می باشد که تعداد بندهایی را مشخص می کند که دارای طول  $l_k$  و تورفتگی حاشیه چپ  $i_k$  هستند. در اینجا  $1 \leq k \leq n$  می باشد.
۲. هر  $l_k$  مقدار طول بند  $k$ ام می باشد بنابراین  $l_1$  مقدار طول بند ۱ام می باشد.
۳. هر  $i_k$  مقدار تورفتگی حاشیه چپ بند  $k$ ام می باشد بنابراین  $i_1$  مقدار تورفتگی حاشیه چپ بند ۱ام می باشد.
۴. اگر پاراگراف کمتر از  $n$  بند داشته باشد، مشخصات اضافی نادیده گرفته خواهد شد و اگر پاراگراف بیشتر از  $n$  بند داشته باشد، مشخصات بند  $n$ ام ( $i_n$  و  $l_n$ ) برای باقی بندها تکرار خواهد شد.
۵. برای خنثی کردن اثر فرمان \ شکل بند، فرمان \ شکل بند =  $\circ$  را قرار می دهیم.

## یک نمونه

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگ کردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگ کردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی در جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. کرده‌است که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی در جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. کرده‌است که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی در جهت احترام از آنان سخن

به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگ کردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان روایان

یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن

به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در

به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. .